



واکاوی و تحلیل بیان مجالس سوگواری پس از شهادت

امام حسین (علیه السلام) در تذکرة الشهداء کاشانی

هدی سلیمی^۱ اصغر منتظرالقائم^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

چکیده

مقتل نگاری شیوه‌ای از تاریخ نگاری اسلامی است که بخش قابل توجهی از آن به گزارش و شرح وقایع کشته شدگان اهل بیت (علیهم السلام) و به طور خاص به جریان شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش اختصاص یافته است. کتاب «تذکرة الشهداء» نوشته ملا حبیب الله شریف کاشانی (متوفای ۱۳۴۰ق) از جمله مقاتل مهم در زمینه شهادت امام حسین (علیه السلام) است که بر نوشته‌های پس از خود تأثیر فراوان گذاشته است. مهمترین و مشهورترین قرائت از واقعه عاشورا در «تذکرة الشهداء» قرائت حزن انگیز و احساسی - عاطفی است که کاشانی در آن به توصیف مجالسی می‌پردازد که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) برگزار شده است. در این پژوهش با تکیه بر کتاب «تذکرة الشهداء» و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی و نقد مجالس سوگواری که پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) رخ داده، پرداخته خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاشانی در خلال بیان مجالس سوگواری و ضمن ذکر مصیبت، با بیان روایات مربوط به آمرزش گناهان گریه کننده و گریاننده بر مصیبت سیدالشهداء، توصیه به گریستن و تباکی در عزای آن حضرت و همچنین ذکر مجالس تعزیت از طریق اخبار احساسی و غیرتاریخی با تکیه بر اشعار گوناگون، هدف برانگیختن عواطف خواننده را داشته است. او در این خصوص به اخبار عاشورایی مبتنی بر مرثیه سرایی و خواب و رؤیا نیز توجه داشته است.

کلید واژگان: امام حسین (علیه السلام)، مجلس سوگواری، تذکرة الشهداء، ملا حبیب کاشانی.

۱. دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران/
hoda_sa98@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)/
montazer@ltr.ui.ac.ir

* سلیمی، هدی و منتظرالقائم، اصغر. (۱۴۰۲). «واکاوی و تحلیل بیان مجالس سوگواری پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) در تذکرة الشهداء کاشانی»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۳، صص ۳۴-۹.



مقدمه

حادثه عاشورا از نخستین وقایع در تاریخ اسلام است که به صورت مکتوب درآمده و مورخان مسلمان بیش از هر واقعه‌ای درباره آن کتاب نوشته‌اند. اما تردیدی نیست که همه منابع و روایاتی که پیرامون این رویداد تاریخی ثبت شده، صحت ندارد و در برخی منابع معتبر تاریخی نیز اخبار ضعیف و جعلیاتی پیرامون اخبار عاشورایی وجود دارد. مقتل‌نگاری‌ها از منابع مهم برای فهم تاریخ شیعه محسوب می‌شوند و نقش مهمی در حفظ هویت تشیع دارند اما می‌توان گفت از قرن چهارم به بعد تاریخ‌نگاری عاشورا با سبک و سیاق مورخان کهن، به تدریج رو به افول گذاشت و سپس با نگارش آثار تحریف‌آمیز از قبیل «روضه الشهداء» کاشفی و نیز «تذکره الشهداء» کاشانی و تبدیل گفتمان عقلانی عاشورایی به گفتمان اسطوره‌ای و احساسی، گزارش‌های نادرست و نامعتبری به مقتل‌نگاری‌ها راه یافت که با فلسفه قیام امام حسین علیه السلام تعارض داشته و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام را از اهداف اساسی خود دور نموده است.

تأثیرپذیری مقتل‌نگاری شیعه از گفتمان تصوف موجب گردید مقاتل کربلا جلوه‌گاه آموزه‌های تصوف گردند. ورود تحریف‌هایی نظیر اندیشه پست‌انگاری دنیا، ناچیز پنداشتن عقل و تکیه بر احساسات ذوقی به مقاتل، این منابع را به آثاری دراماتیک با هدف تحریک عواطف توده مردم در مجالس سوگواری تنزل داد. در این راستا، مقتل‌نگاران با استفاده از سبک داستان‌پردازی و با بهره‌گیری از عناصر تخیل و غلو به تحریف منابع دست‌یازیدند.

مقتل «روضه الشهداء» یکی از این مقتل‌نگاری‌هاست که می‌توان آن را از عوامل اصلی ورود جعل و تحریف به مقاتل کربلا دانست (مطهری، بی‌تا، ۱/ ۸۲-۸۴). کاشفی (۸۴۰ - ۹۱۰ ق) این اثر را در اواخر دوره تیموری و در شرایطی نگاشت که گرچه

شیعه در بُعد جغرافیایی در حال گسترش بود اما تساهل دینی حکومت ایلخانی، فرهنگ خرافه‌گرایی مغولان و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، زمینه رشد تحریف‌های کاذب را در گفتمان شیعی فراهم آورده بود. او که تبحر خاصی در مخاطب‌شناسی داشت پیام خویش را متناسب با علایق، نیازها و توانایی دریافت‌کنندگان ارسال می‌کرد که این امر موجب جلب و تداوم رضایت مخاطبان می‌شد. کاشفی تا چندین سده در مقتل‌نگاری تحریفی تأثیرگذار بود و مقتل‌نگاران بسیاری پس از وی برای خلق آثار خویش از اثر او الهام گرفتند. به این ترتیب نوعی دگرگونی در مقتل‌نگاری خصوصاً در زمان صفویه و قاجار پدید آمد.

نارنگه‌نما در قرن دوازدهم ق. عالم برجسته شیعی، علامه وحید بهبهانی (۱۲۰۵-۱۱۱۷ق)، ضمن مخالفت با جریان اخباری و عقل‌گریز، بار دیگر تفکر اصولی و عقل‌گرایی را وارد گفتمان تشیع نمود، اما همچنان اندیشه‌های انحرافی رشد چشم‌گیری در میان عالمان شیعی همچون شیخ احمد/احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۲ق) داشت. احسائی یکی از پرنویس‌ترین عالمان زمان خود بود که مبهمات مطرح در اندیشه وی، باعث پیدایش انحرافات در معنویت شیعی گردید.

با نفوذ تحریف‌های کاذب در حیات سیاسی و اجتماعی ایران، فرهنگ خرافه‌گرا و مغایر با عقلانیت در مقاتل دوره قاجار از جمله مقتل «تذکره الشهداء» کاشانی جلوه‌گر شد. او تحت تأثیر شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی و با استفاده از عنصر تخیل و غلو، به خلق اثری دراماتیک پرداخت که با حقایق کربلا فاصله زیادی داشت. وی متأثر از شیخ احمد/احسائی و اشعار وی نیز بود. این اثر از نوشته‌های مهم در باب مقتل‌نگاری کربلا در دوران معاصر است که بارها تجدید چاپ شده و به زبان عربی نیز ترجمه گردیده است. همچنین در چند دهه اخیر، مورد توجه و استقبال مجالس وعظ قرار گرفته است. لذا از این جهت بررسی ابعاد مختلف این اثر حائز اهمیت



است که در این پژوهش به جهت گستردگی مطالب «تذکره الشهداء» تنها به بررسی و نقد گزارش‌های ملا حبیب‌الله کاشانی در ارتباط با مجالس سوگواری پس از شهادت امام حسین (ع) پرداخته خواهد شد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به برخی آثار اشاره کرد. زهرانی در کتاب «اندیشه‌های حسینی و شصت مجلس مصیبت از تذکره الشهداء شریف کاشانی» به ذکر ۶۰ مجلس مصیبت امام حسین (ع) پرداخته و پیام اخلاقی-سیاسی آن را پس از بیان مجلس ذکر کرده است. این اثر بیشتر روایی بوده و در پی روایت اخلاقی از مجالس مصیبت است. رفعت در مقاله «نقد و بررسی روایت انگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در تذکره الشهداء میرزا حبیب شریف کاشانی» بیشتر به دنبال نقد روایات تحریفی مهم و برجسته این اثر است. در واقع گستردگی بحث موضوعی انتخابی سبب شده نویسنده کمتر بر مجالس مصیبت متمرکز شود. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی و نقد مجالس سوگواری که پس از شهادت امام حسین (ع) رخ داده، پرداخته است.

زیست‌نامه ملا حبیب‌الله کاشانی و ساختار کتاب تذکره الشهداء

نگارنده «تذکره الشهداء» ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق) است. وی از فقها و مراجع دینی عصر خود بوده و ده‌ها عنوان کتاب در رشته‌های مختلف علمی نوشته است. کار اصلی کاشانی، پژوهش در فقه و علوم وابسته به آن بود (کاشانی، ۱۳۹۰، ۱۲)، اما به دلیل ارادت قلبی به امام حسین (ع) «تذکره الشهداء» را در شرح حال شهیدان عاشورا برای توده مردم نگاشت. وی در این ارتباط می‌نویسد:

«... و لهذا این فقیر قاصر را به خاطر فاتر رسید که خوشه‌ای از این خرمن و توشه‌ای از این انجمن برداشته و رایتی در این میدان افراشته باشم. پس به توفیق خدا این کتاب را که موسوم است به «تذکره الشهداء» به زبان فارسی عوام فهم تألیف نمودم تا آن شاء الله از خریداران یوسف محسوب گردم» (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۴/۱).

در دانش کاشانی و ارزش علمی کتب فقهی ایشان تردیدی نیست اما در «تذکره الشهداء» مطالب تحریف آمیز و روایات بسیار ضعیف یافت می‌شود. البته این امر می‌تواند ناشی از رویکرد تسامح گرایانه علمای دوره قاجار در نگارش کرامات و فضیلت‌های اهل بیت علیهم‌السلام باشد که سبب می‌شده در بررسی سند روایات مرتبط با مناقب و فضائل، دقت چندانی مبدول ننمایند.

این اثر در سال ۱۳۸۹ هجری قمری در ۴۵۲ صفحه در قطع رحلی منتشر شد. انتشارات شمس الضحی بار اول این کتاب را در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی و بار دوم را در سال ۱۳۹۰ در دو جلد منتشر کرد. در چاپ اخیر، منقولات از کتاب «نورالعین» حذف و اشعاری از نویسنده به نقل از «گلزار اسرار» به پایان آن افزوده شده است. هر جلد فصل‌های متعددی دارد و مشتمل است بر دوازده مجلس و یک خاتمه. مجلس اول تا سوم در کیفیت قبول شهادت امام حسین علیه‌السلام و برخی ویژگی‌های آن حضرت و ترغیب به عزاداری است. مجلس چهارم به بعد در خروج امام از مدینه به مکه و از آنجا به سوی کوفه و ورودش به کربلا و شهادت آن حضرت و اصحابش و اسارت خانواده‌اش است.

بی‌تردید روایاتی که در راستای تشویق و ترغیب اهل ایمان به گریستن بر امام حسین علیه‌السلام و مصیبت کربلا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده (ابن قولویه القمی، ۱۳۷۵، ۱۱۳) در ایجاد و تثبیت رویکرد احساسی و غیرتاریخی به واقعه عاشورا تأثیر



چشمگیری داشته و همین امر زمینه ورود برخی تحریفات و مطالب موهوم و خرافی به مقتل نگاری‌ها از قبیل «تذکره الشهداء» را فراهم کرده است.

ذکر مجالس سوگواری در شهادت امام حسین علیه السلام با هدف برانگیختن احساسات

نویسنده «تذکره الشهداء» پس از بیان مجالسی که از دیدگاه وی، قبل از شهادت امام حسین علیه السلام بر پا شده، به توصیف مجالسی می‌پردازد که بعد از شهادت ایشان اقامه گردیده است. کاشانی در شرح این مجالس ضمن تأکید بر این که چنین مجالسی غیرقابل شمارش می‌باشند، از طریق بیان روایاتی منسوب به امام باقر علیه السلام^۱ و امام صادق علیه السلام^۲ به غم، اندوه و تباکی همه مخلوقات پس از شهادت اباعبدالله علیه السلام اشاره می‌کند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۳). در اینجا ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد

۱. «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي خَالِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ يَحْيَى بْنِ مَعْمَرٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بَكَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَتَّى ذَرَفَتْ دُمُوعُهَا - وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ» (ابن قولويه القمي، ۱۳۷۵، ۷۹).

۲. «حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَرٍ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَيُونُسُ بْنُ ظُبْيَانَ وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَأَبُو سَلْمَةَ السَّرَّاجُ جُلُوساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَكَانَ الْمُتَكَلِّمُ يُونُسُ، وَكَانَ أَكْبَرُنَا سِنًا وَذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا يَقُولُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَا يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقٍ رَبَّنَا، وَمَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى بَكَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْيَاءُ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ الْبَصْرَةُ وَلَا دِمَشْقُ وَلَا آلُ عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ» (ابن قولويه القمي، ۱۳۷۵، ۸۳). کاشانی قسمت پایانی حدیث مبنی بر اندوهناک نشدن برای اباعبدالله علیه السلام را نیابوده است.

که تمام مخلوقات عالم بر اساس کیفیت خلقت خویش، قادرند اندوهگین شده و به حسب نوع خود، تباکی کنند. شاهد این مدعا نیز آیه ۲۹ سورة دخان است که به وجود نوعی احساس و شعور در آسمان و زمین اشاره دارد و قرآن از آن به گریه تعبیر کرده است.^۱ روشن است که آسمان و زمین در این آیه به عنوان نمونه‌ای از تمام عالم ذکر شده‌اند. نویسنده «تذکره الشهداء» تأکید کرده که از میان مجالس بی‌حد و حصری که در عزای امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت ایشان اقامه گردید، تنها به ذکر مصادیقی بسنده می‌کند.

۱. اخبار مرتبط با مرثیه‌سرایی روز عاشورا

اولین مجلس مربوط به خبری است که بر اساس آن به امر امام سجاد (علیه السلام)، دامن خیمه امام حسین (علیه السلام) بالا برده می‌شود که این عمل حاکی از القای خبر شهادت پدر بزرگوارشان به ایشان بوده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۳). این روایت در منابع نیامده و از تفاسیر و تحلیل‌های شخصی محسوب می‌گردد. همین رویکرد احساسی کاشانی سبب شده مجلس دوم را زمانی بداند که اسب امام حسین (علیه السلام) شیعه‌زنان از قتلگاه به جانب خیمه گاه روانه شده و زنان حرم هنگامی که اسب خونین بی‌سوار را رؤیت نمودند، از این مصیبت عظیم، به تضرع پرداخته و نفیر صیحه و نوحه ایشان، طنین‌انداز آفاق می‌شود (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۵-۱۱۳، ابن اعثم، ۱۴۰۶ ق، ۵/۱۱۹؛ ابن بابویه القمی، ۱۴۱۷ ق، ۲۲۷-۲۲۶).

نیازمند یادآوری است که نقل‌های کاشانی در توصیف سوگواری اهل بیت امام حسین (علیه السلام) در مصیبت شهادت ایشان، متضمن مواردی است که مورد قبول نمی‌باشد زیرا برخی اقوال، علاوه بر ضعف سندی، اشکالات محتوایی نیز دارند. به عنوان مثال

۱. «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»؛ و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند.



در روایت مزبور، نسبتی که به اهل بیت امام علیه السلام از جمله حضرت زینب علیها السلام داده شده^۱، با توجه به شأن والا و مقام تسلیم و رضای ایشان بعید می‌باشد. همچنین بر اساس گزارش منابع، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین زنانی را که در مصیبت‌ها به صورتشان خدشه زده، گریبان چاک کرده و نوحه و شیون می‌کنند مورد لعن قرار داده^۲ و صریحاً تأکید فرموده‌اند که کسی که از ماست این گونه رفتار نمی‌کند.^۳ مشابه این روایت را نیز شیخ مفید در حوادث مربوط به شب عاشورا آورده که امام حسین علیه السلام به هنگام وداع با حضرت زینب علیها السلام به آن بانو سفارش و تأکید می‌فرمایند که مبادا دشمن را شاد کنند.^۴ مجلس سوم را کاشانی از طریق روایتی بیان نموده که اندوه و محنت حضرت زینب علیها السلام در مصیبت کربلا را تبیین نموده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۴). در این روایت نیز به لطمه زدن زنان حرم به صورتشان اشاره شده که با توجه به آنچه بیان شد، نمی‌تواند صحیح باشد.

۱. «بحق الله إلا ما مررت بنا على مصرع الحسين، فلما نظر النسوة إلى القتلى صحن وضربن وجوههن» (ابن طاووس، ۱۴۱۷ ق، ۱۸۰). مشابه این روایت را شیخ مفید نیز آورده است: «ثم لطمت وجهها وهوت إلى جيبها فشقت خرت مغشياً عليها» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲/ ۹۴-۹۳).

۲. در اینجا نمونه‌ای از روایات مبتنی بر نهی از شیون و نوحه در مصیبت ذکر می‌گردد: «لم أنهكم عن البكاء، وإنما نهيتكم عن النوح والعويل» (ابن ماجه، ۱۴۱۹ ق، ۵۰۷-۵۰۵). همچنین در این روایات به نهی از خدشه زدن بر وجه، و منع گریبان چاک کردن تأکید شده است: «عن أبي أمامة أن رسول الله صلی الله علیه و آله لعن الخامشة وجهها والشاقة جيبها والداعية بالويل والثبور»؛ «وقال النبي صلی الله علیه و آله أنا بريء ممن حلق و صلق أى حلق الشعر و رفع صوته» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۲/ ۹۳).

۳. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله ليس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۲/ ۹۳).

۴. «يا أختاه! اتقى الله و تعزى بعزاء الله، و اعلمى أن أهل الأرض يموتون و أهل السماء لا يبقون، و أن كل شيء هالك إلا وجه الله الذى خلق الخلق بقدرته، و بيعت الخلق و يعودون، و هو فرد و حده، أبى خير منى، و أمى خير منى، و أخى خير منى، و لى و لكل مسلم برسول الله أسوة. فعزأها بهذا و نحوه و قال لها: يا أختى! إنى أقسمت فأبرى قسمى، لا تشقى على جيباً، و لا تخمشى على وجهاً، و لا تدعى على بالويل و الثبور إذا أنا هلكت. ثم جاء بها حتى أجلسها عندى» (مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲/ ۹۴).



با توجه به آن چه گذشت، روایتی که کاشانی در توصیف مجلس چهارم درباره حزن و اندوه حضرت سکینه (ع) آورده - که از شدت تألم، خود را بر پیکر امام (ع) افکنده و ناگزیر گروهی از اعراب او را از آن موضع بلند می کنند - (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۳-۱۱۵) نیز مورد قبول نیست زیرا با شأن والای حضرت سکینه (ع) و نیز احادیث وارده در نهی این اعمال، نمی تواند سازگار باشد (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۳-۱۱۵). کاشانی با نگرش عاطفی، شدت و حدت سوگواری اهل بیت امام (ع) را به نحوی توصیف کرده که حتی دشمنان نیز اندوهناک شده و بر این مصیبت تباکی نمودند^۱ (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۵).

۲. اخبار عاشورایی مبتنی بر خواب و رؤیا

در روایت فوق نکته غیرمستند دیگری با صبغه حزن انگیز، در منابع متأخر و تحریف ساز افزوده شده، مبنی بر آن که در این هنگام سکینه (ع) از حلقوم بریده امام حسین (ع) ابیاتی استماع نمود^۲ (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۵). همچنین در مجلس پنجم، خبری با درونمایه عاطفی آمده که بر اساس آن، ام سلمه در خواب، خبر شهادت اباعبدالله (ع) را از رسول خدا (ص) شنیده و پس از بیدار شدن، این خبر را به مردم مدینه اعلام می کند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۳۱۵). بر اساس این روایت،

۱. «قال فأبکت والله كل عدو وصديق ثم إن سكينة اعتنقت جسد الحسين (ع) فاجتمع عدة من الأعراب حتى جروها عنه قال ثم نادى عمر بن سعد في أصحابه من ينتدب للحسين فيوطئ الخيل ظهره فانتدب منهم عشرة وهم إسحاق بن حوية الذي سلب الحسين (ع) قميصه وأخنس بن مرثد وحكيم بن الطفيل السنبسي وعمر بن صبيح الصيداوي ورجاء بن منقذ العبدی وسالم بن خيثمة الجعفی وواظ بن ناعم وصالح بن وهب الجعفی وهانئ بن ثبيت الحضرمی وأسيد بن مالك فداوسوا الحسين (ع) بحوافر خيلهم حتى رضوا ظهره وصدره» (مفيد، ۱۴۱۳ ق، ۲/ ۱۱۴؛ طبری، ۱۸۷۹ م، ۴/ ۳۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۵/ ۵۹).

۲. «شيعتي ما إن شريتم رى عذب فاذكروني... أو سمعتم بغريب أو شهيد فاندبوني» (الكفعمي العاملي، ۱۴۰۵ ق، ۷۴۱).



رسول خدا ﷺ به ام سلمه فرمودند: «فرزندم حسین و اهل بیتش را امروز کشتند و آنان را دفن کردم و هم اکنون از دفن آنان فارغ شده‌ام». ضعف سندی این گزارش به سبب وجود عمرو بن ابی المقدام در میان راویان، پیش از این بیان گردید لذا نمی‌توان به روایت فوق، اعتماد و استناد نمود.

ششمین مجلسی که در رثای اباعبدالله ﷺ بر پا شد، در حقیقت ادامه‌ی روایتی است که در مجلس قبل ذکر شد و نیز تکرار سی و ششمین مجلسی است که کاشانی در عزای امام حسین ﷺ پیش از واقعه کربلا آورده بود. بر اساس روایت مزبور، پس از آن که ام سلمه در خواب خبر شهادت امام حسین ﷺ را از پیامبر ﷺ می‌شنود، در بیداری با مشاهده خونین شدن تربت در روز عاشورا - که پیامبر ﷺ به ایشان سپرده و آن را نشانه شهادت امام حسین ﷺ فرموده به صادقه بودن رؤیای خویش یقین یافته و مجلس عزای حسین ﷺ را اقامه می‌کند^۱ (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳، ق، ۲/۱۳۰، طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۳۱۵).

۱. «به نقل از ام سلمه: پیامبر خدا ﷺ شبی از نزد ما بیرون رفت و مدتی طولانی، از دید ما غایب شد و سپس پریشان و غبارآلوده نزد ما آمد. در آن حال، دستش را بسته و مشت کرده بود. گفتیم: ای پیامبر خدا، چرا تو را پریشان و غبارآلود می‌بینم؟ پیامبر ﷺ فرمود: «هم اکنون، مرا به جایی از عراق به نام کربلا بردند و جایگاه افتادن پسر حسین و گروهی از فرزندان و خاندانم را به من نشان دادند. من همواره خون‌هایشان را از زمین بر می‌چیدم و در همین دست‌هایم است». آن گاه، دستانش را برایم گشود و فرمود: «این را بگیر و حفظش کن». آن را گرفتم. شیه به خاک سرخ بود. آن را در شیشه‌ای گذاشتم و درش را بستم و نگاهداری‌اش کردم. هنگامی که حسین ﷺ از مکه به سوی عراق بیرون رفت، آن شیشه را هر روز و هر شب، می‌بوییدم و به آن می‌نگریستم و بر مصیبت او می‌گریستم. چون روز دهم محرم شد یعنی همان روزی که به شهادت رسید، شیشه را در آغاز روز بیرون آوردم. به همان حالت [قبلی] بود. سپس در پایان روز، به سوی آن باز گشتم. خون تازه بود. در اتاقم فریاد کشیدم و گریستم و بغض خودم را فرو خوردم تا مبادا به گوش دشمنان ایشان (حسین و یارانش) برسد و در شمات شتاب کنند. همواره آن زمان را به یاد داشتم، تا این که پیک، خبر کشته شدنشان را آورد و آنچه دیده بودم، به وقوع پیوست» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۲/۱۳۰).



۳. ذکر مصیبت شهادت امام حسین (علیه السلام) از کوفه تا شام و مراجعت به مدینه

کاشانی در هفتمین مجلس از «تذکره الشهداء» به توصیف ورود کاروان اسرای آل محمد (علیهم السلام) به کوفه^۱ پرداخته است. وی با رویکردی احساسی و سوگوارانه و با عباراتی نظیر سوار شدن اسیران کربلا بر شتران بی‌محمل و تأکید بر بی‌نقاب بودن چهره‌های زنان حرم و همراهی سرهای بریده با اسیران، ورود ایشان به کوفه را شرح داده (ابن اعثم، ۱۴۰۶ ق، ۵/ ۱۲۱-۱۲۰؛ طوسی، ۱۳۶۵، ۹۱) و ضمن اشاره به قرائت خطبه در کوفه توسط امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (علیها السلام)، مطلب ساختگی و غیرمستندی را به اسوه صبر و استقامت، حضرت زینب (علیها السلام) منسوب نموده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۷) که سندیت تاریخی ندارد. در منابع متأخری که برخی تحریف‌ساز و تحریف‌گستر می‌باشند، به این خبر جعلی اشاره شده که زینب (علیها السلام) به هنگام رؤیت رأس الحسین (علیه السلام) بر نیزه از شدت تألم و اندوه سر خویش را به محمل کوبیده و بدین سبب خون از سر ایشان جاری گردیده است. همان‌طور که پیش از این نیز تبیین شد اولاً چنین رفتاری مورد تأیید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام حسین (علیه السلام) نبوده و قطعاً از حضرت زینب (علیها السلام) نمی‌تواند سر زده باشد. ثانیاً طبق نقل منابع، ایشان و سایر بانوان بر شتران بی‌محمل سوار بوده‌اند، لذا اساساً محملی وجود نداشته که سر ایشان به آن اصابت کند. گفتنی است که طبق روایتی منسوب به امام صادق (علیه السلام)، این اعمال - نظیر چاک زدن گریبان و لطمه زدن به صورت در عزای سیدالشهداء (علیه السلام)، استثنا شده (طوسی، ۱۳۶۵، ۸/ ۳۲۵) اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که در بین راویان این حدیث، نام حنان بن سدیر وجود دارد که واقفی بوده و بدین سبب برخی در استناد و اعتماد به روایات وی توقف کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ۱/ ۵۵۵-۵۵۶).

۱. اسیران کربلا، در برخورد اولیه با کوفیان، خود را اسرای آل محمد معرفی می‌نمایند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷ ق، ۱۹۰).



کاشانی هشتمین مجلس را به جسارت عییدالله بن زیاد به ساحت شریف اباعبدالله علیه السلام - و چوب زدن وی به رأس الحسین علیه السلام و اعتراض زید بن ارقم به وی اختصاص داده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۷؛ دینوری، ۱۳۷۳، ۲۵۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ۱/۲، ۱۱۴). این روایت بر میزان حُزن و تألم درونمایه سوگوارانه عاطفی اثر وی افزوده است.

وی مجلس نهم در تذکرة الشهداء را به جریان حُزن آور دیگری اختصاص داده که برای کاروان اسرای آل محمد علیهم السلام در حوالی بعلبک رخ داده است. از آن جا که قبل از ورود کاروان اسرا به هر شهر، مزدوران یزید، مردم را از ورود ایشان آگاه می نمودند، جماعت کثیری بیرقها را برافراشته، طبل زنان و شادی کنان برای استقبال بیرون می آمدند و به تماشا و تحقیر خاندان عصمت و طهارت تجمع می نمودند. به این دلیل امام سجاد علیه السلام از شدت اندوه ابیاتی را قرائت فرمودند که در این ابیات به کیفیت انتقال اسرا اشاره شده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱/۴۵، ۱۲۷). به نظر می رسد روایت مزبور از مجعولات کتاب غیرمعتبر «نورالعین فی مشهدالحسین» باشد که مورد استفاده کاشانی قرار گرفته است.

دهمین مجلس در رثای امام حسین علیه السلام، به نقل روایتی می پردازد که متضمن گفتار و رفتاری منسوب به حضرت زینب علیه السلام در مجلس یزید است. در این خبر، روایتی مشابه آنچه پیش از این ذکر شد از گریبان چاک کردن به ساحت والای حضرت زینب علیه السلام منسوب شده است. گرچه کاشانی روایت را به طور کامل نیاورده و تنها به ذکر ناله حزین حضرت زینب علیه السلام به هنگام مشاهده رأس الحسین علیه السلام در مجلس یزید اکتفا نموده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱/۴۵، ۱۳۲) اما همین قول نیز جای تأمل دارد. از آن جا که نگرش کاشانی به حقایق عاشورا، احساسی و غیرتاریخی است به سختی می توان به این نتیجه رسید که اهل مجلس یزید که

دل‌هایشان سخت شده، با استماع صوتی حَزین، به ناگاه دچار انقلابی درونی شده و در مصیبت ابا عبد الله علیه السلام تباکی کنند. زیرا طبق منابع هیچ گزارشی مبنی بر چنین انقلابی در این افراد و نیز تغییر در رفتار و عملکرد ایشان، ذکر نشده است.

کاشانی از طریق روایت دیگری که مشتمل است بر خطبه امام سجاد علیه السلام بر منبر شام و تباکی حاضران در مسجد، یازدهمین مجلس در رثای امام حسین علیه السلام را تبیین نموده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۸). گفتنی است که - بر خلاف روایت پیشین - تباکی اهل این مجلس پس از قرائت خطبه توسط امام سجاد علیه السلام، معقول و منطقی به نظر می‌رسد. زیرا اولاً امام سجاد علیه السلام در خطبه‌ای غراً (ابن اعثم، ۱۴۰۶ ق، ۵/۱۳۳) به معرفی و بیان فضایل خود و خاندان خویش که از اهل شام مکتوم مانده بود می‌پردازند و از سوی دیگر مخاطبان، مردم عوام هستند و مزدور یزید نبوده و قلوب ایشان در اثر گناه، سخت نشده بود. همچنین این روایت از لحاظ سندی نیز قوی‌تر از روایت قبل می‌باشد.

در «تذکره الشهداء» چگونگی برپایی دوازدهمین مجلس در عزای امام حسین علیه السلام، طبق روایتی منقول از «بحار الانوار» به مجلسی اختصاص یافته که به دستور یزید و برای اقامه عزای حسین علیه السلام به مدت سه روز ترتیب یافته است. ناگفته نماند که روایت مزبور را علامه مجلسی از ابی مخنف نقل نموده اما در «بحار الانوار» روایت از صورت اولیه خارج شده و اضافاتی به آن ملحق شده، لذا اعتبار آن را ضعیف نموده است.

سپس به روایتی که در وصف هند همسر یزید آمده اشاره نموده (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۵/۱۴۳-۱۴۲) و ضمن تأکید بر این نکته که این خبر مشهور است از تبیین آن امتناع نموده است. بر اساس نقل علامه مجلسی، رأس الحسین علیه السلام به دستور یزید بر درب خانه وی و در مجلسی که برای تحقیر اسرای آل محمد علیه السلام تشکیل شده بود، آویخته شد نه برای اقامه عزای حسین علیه السلام آن‌گونه که



کاشانی آورده اما همه زنان حاضر در آن مجلس، به اهل بیت امام علیه السلام عرض تعزیت نموده و تباهی کردند. هند همسر یزید نیز که پیش از این خادم منزل امام حسین علیه السلام بود، در آن مجلس حضور داشته و یزید را به خاطر به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و جسارت به اهل بیت ایشان نکوهش می‌کند. گفتنی است که اصل خبر را ابی مخنف به گونه دیگری آورده و درباره خبر غیر مستندی که مجلسی در خصوص هند به اصل خبر افزوده تنها بدین صورت یاد می‌کند که وی از یزید درباره هویت رأس الحسین علیه السلام سؤال کرده است (ابی مخنف، ۱۳۶۷، ۲۷۰-۲۶۹). حال اگر برگزاری مجلس عزای ابا عبدالله علیه السلام در کاخ یزید را با هدف مشروعیت بخشی به حکومت اموی بپذیریم، می‌بایست در گزارش آویختن سر مطهر آن حضرت تشکیک و تردید کنیم زیرا این عمل در راستای تحقیر اسیران آل محمد بوده و به نظر نمی‌رسد یزید پس از واقعه عاشورا با چنین عملکردی در صدد ضربه زدن به حکومت خویش بوده باشد.

سیزدهمین و چهاردهمین مجلس مشتمل است بر خطبه امام سجاد علیه السلام در نزدیکی مدینه و بیان تباهی اهل مدینه در رثای امام حسین علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۴۸/۴۵-۱۴۹) و نیز اقامه عزای یومیه در مدینه و کنار قبور پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیه السلام (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱۱۹/۱) حال آن که این خبر در هیچ یک از منابع اولیه نیامده و تنها برخی منابع متأخر و تحریف گستر به آن اشاره کرده‌اند.

۴. ذکر مجالس تعزیت از طریق اخبار احساسی و غیرتاریخی

پانزدهمین مجلس به روایتی ساختگی و غیر مستند اختصاص دارد که بر مبنای آن با نگرش احساسی و غیرتاریخی، رفتاری ناروا به حضرت فاطمه علیه السلام نسبت داده شده که شایسته مقام ایشان نمی‌باشد. بر اساس روایت مزبور، فریاد و فغان فاطمه علیه السلام در بهشت به واسطه شهادت امام حسین علیه السلام برپا شده و مانع می‌شود ملکوتیان به تسبیح

و تقدیس الهی بپردازند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۱۹). کاشانی مجلس شانزدهم و هفدهم را به ناله فرشتگان و جنیان در مصیبت شهادت امام حسین علیه السلام و درخواست ایشان از خداوند متعال مبنی بر گرفتن انتقام حسین علیه السلام اختصاص داده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۲۰؛ ابن قولویه القمی، ۱۳۷۵، ۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۴۱/۴۵).

او دو روایت دیگر نیز در ادامه این خبر آورده که از «بحارالانوار» اقتباس نموده است. در روایت اول ملکی از دریاها می خواهد که در مصیبت اباعبدالله علیه السلام جامه حزن بپوشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۲۲/۴۵) و در روایت دوم هفتاد هزار از ملائکه از شدت تألم و اندوه در مصیبت امام حسین علیه السلام تا روز قیامت توان ایستادن نخواهند داشت (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۲۲/۴۵). روایاتی که با روایت مذکور تشابه معنوی دارند - مبنی بر تألم و تأثر ملائکه در مصیبت سیدالشهدا علیه السلام در «بحارالانوار» نقل شده اند اما عین روایتی که کاشانی آورده و با کیفیتی که ذکر گردید در منابع یافت نشد.

هجدهمین مجلس متعلق به داستانی با صبغه عاطفی است که احتمال می رود علامه مجلسی آن را از «مقتل خوارزمی» نقل کرده باشد. این گزارش غیرمنطقی، به خبر آوردن کلاغ خونینی از حادثه کربلا، برای فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام در مدینه پرداخته که دختر امام علیه السلام ضمن محاوره با پرندۀ به بیان ابیاتی مبنی بر شهادت اباعبدالله علیه السلام می پردازد (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۲۱؛ خوارزمی، ۱۴۲۳، ق، ۲/ ۱۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۷۱/۴۵).

در مجلس نوزدهم، کاشانی مشابه روایت پیشین را بازگو نموده است. خبر دادن پرندۀ خونین از شهادت امام حسین علیه السلام و اقامه عزاداری توسط مرغان، چکیده رویکرد حزن آور و غیرتاریخی روایت مزبور است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۲۲-۱۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۵/۱۹۱). این روایت علاوه بر نقد محتوایی، به لحاظ سندی نیز نمی تواند



قابل قبول باشد، زیرا در سند این خبر نام مفضل بن عمر وجود دارد که برخی علمای رجال او را تضعیف کرده و از غلات و گروه خطابیة می‌دانند (ابن‌الغضائری، ۱۴۲۲ ق، ۸۹).

نویسنده «تذکره الشهداء» در مجلس بیستم با جهت‌گیری داستانی و غیرتاریخی به بیان روایتی مبنی بر اقامه عزاداری توسط وحوش صحرا پرداخته است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱/۷۹). می‌توان گفت از آن‌جا که امام، انسان کامل و خلیفه الله است و بر کل نظام خلقت و همه آدمیان و جنیان ولایت دارد لذا همه در عزای حسین (علیه السلام) محزون شدند.

۵. توصیه به گریستن و تباکی در عزای سیدالشهداء

رویکرد احساسی کاشانی به حقیقت عاشورا، سبب تکرار روایت غیرمستند دیگری با صبغه عاطفی و انتساب رفتاری ناشایست و دور از شأن به ساحت والای حضرت فاطمه (علیها السلام) شده است؛ مشابه آن‌چه در مجلس پانزدهم ذکر گردید. بر اساس روایت مزبور، فریاد و فغان فاطمه (علیها السلام) در عزای امام حسین (علیه السلام)، به هنگام رجعت و نیز در روز قیامت سبب می‌شود مورد عتاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار گیرند که: «ای فاطمه! امروز، روز فریادرسی است؛ نه فریادکشی» (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۳). وی با هدف تباکی، به ورود امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا به عرصه محشر اشاره می‌کند در حالی که سر در بدن ندارند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۳/۲۲۱). در این خصوص هم مانند روایت پیشین، روایاتی که با نقل مذکور تشابه معنوی دارند مبنی بر تألم و تأثر فاطمه (علیها السلام) در رثای سیدالشهداء (علیه السلام) و دادخواهی ایشان از محضر الهی در روز قیامت در «بحارالانوار» نقل شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۵/۲۲۵) اما روایتی عین روایت کاشانی و با کیفیتی که او آورده در منابع یافت نگردید.

روایت مذکور از یک طرف به لحاظ محتوایی قابل پذیرش نیست و از سوی دیگر، در میان سلسله راویان نام محمد بن سنان ذکر شده که عده‌ای وی را بنا به اتهاماتی چون غلو، به شدت تضعیف کرده‌اند (النجاشی، ۱۳۷۴، ۳۲۸؛ طوسی، ۱۳۷۳، ۳۶۴). در واقع با مذاقه و بررسی روایاتی که صبغه احساسی و غیرمعقول داشته و بعضاً نسبت‌های ناروایی نیز به اهل بیت علیهم‌السلام منسوب می‌کنند می‌توان گفت غالباً در میان سلسله راویان آن‌ها غلات وجود داشته‌اند.

از این طریق به برگزاری مجلس عزای امام حسین علیه‌السلام توسط اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده است. کاشانی حدیثی از امام رضا علیه‌السلام آورده که در آن به تباکی بر امام حسین علیه‌السلام توصیه کرده‌اند از آن رو که سر ایشان را همچون قوچ بریده‌اند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۴؛ ابن بابویه القمی، ۱۴۱۷ ق، ۱/۱۹۲). در این خصوص باید دانست که گرچه غم، اندوه و گریه در مصیبت امام حسین علیه‌السلام اهمیت بسیار و آثار ارزشمندی دارد، اما نوع نگرش مقاتل متأخر نظیر «تذکره الشهداء» به فلسفه قیام امام حسین علیه‌السلام، صرفاً عاطفی بوده و به همین اثر ختم می‌گردد. همچنین کاشانی قطع نمودن سر امام حسین علیه‌السلام را شاهی مستدل بر عظمت مصیبت اباعبدالله علیه‌السلام نسبت به سایر ائمه آورده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که عظمت مصیبت امام حسین علیه‌السلام صرفاً به واسطه این اعمال شنیع نسبت به امام معصوم علیه‌السلام قابل توجیه نیست. در واقع این مصیبت از آن رو همواره در طول تاریخ عظیم دانسته شده که مدعیان مسلمانی؛ کسانی که به ظاهر شریعت، عمل می‌نمودند، برای چپاول مال و منصب، تکبیرگویان به قتال با حجت خدا بر روی زمین قیام کردند.

همچنین در «تذکره الشهداء» روایتی از امام جعفر صادق علیه‌السلام با رویکردی حزن‌آور نقل شده مبنی بر این که مصیبت امام حسین علیه‌السلام بزرگ‌ترین مصیبت است؛ زیرا با از دست دادن اباعبدالله علیه‌السلام دیگر کسی از اصحاب کساء بر روی زمین نماند که به مردم



در فقدان امام معصوم علیه السلام تسلی و آرامش بخشند (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۳، ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۶۹/۴۴).

کاشانی در این موضع به بیان مطلبی تأثرآور پرداخته مبنی بر اقامه عزای حسین علیه السلام توسط ائمه هدی علیهم السلام و شعرخوانی در این مجالس در رثای اباعبدالله علیه السلام (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۵). وی به نقل ابیاتی از جعفر بن عفان طائی در رثای حسین علیه السلام و در محضر امام صادق علیه السلام (خوارزمی، ۱۴۲۳، ق، ۲/۱۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۵/۲۸۶) و دعبل بن علی خزاعی در محضر امام رضا علیه السلام (خوارزمی، ۱۴۲۳، ق، ۲/۱۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۵/۲۵۷) مبادرت نموده است. سپس ضمن اشاره‌ای مجمل به فحوای زیارت قائمیه^۱، آن را به عنوان حجتی قاطع و مبرهن بر عظمت مصیبت اباعبدالله علیه السلام بر سایر انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام دانسته است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۵).

یادآوری این نکته ضروری است که گزارش‌هایی در منابع اولیه با فحوای عزاداری امام حسین علیه السلام توسط ائمه هدی علیهم السلام آمده که طبق تتبع و ارزیابی نگارنده، غالباً از نظر سندی و وضعیت رجالی راویان محل نقد و بررسی است. بر این اساس، می‌توان به گزارش گریه امام سجاد علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام^۲

۱. زیارت ناحیه مقدسه از زیارتنامه‌های امام حسین علیه السلام که در روز عاشورا و غیر آن، خوانده می‌شود و ظاهراً توسط یکی از نایبان خاص امام زمان علیه السلام به دست ما رسیده است. قدیمی‌ترین منبع موجود این زیارت، کتاب المزار الکبیر ابن المشهدی (متوفای ۶۱۰ ق) است. وی در آغاز کتابش تصریح می‌کند که این زیارات با سند متصل به او رسیده ولی برای اختصار کتاب و اعتمادی که به صدور زیارات از ناحیه معصوم داشته، سندها را حذف نموده است (ابن مشهدی، ۱۳۷۸، ۵۱۹-۴۹۶).

۲. بر اساس گزارش شیخ صدوق، اندوه و گریه امام زین العابدین علیه السلام در عزای امام حسین علیه السلام به حدی شدت داشته که سبب نگرانی غلام آن حضرت و اعتراض به ایشان گردید (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲/۵۱۷ و ۱/۲۷۳). لازم به ذکر است که روایت مزبور از نظر سندی محل نقد و بررسی است. زیرا راوی آن، حُمران بن أعین می‌باشد که بنا به برخی اقوال، تضعیف شده و روایات وی دارای مضمونی غیرمعمول می‌باشد (ابن عدی، ۱۴۱۸، ق، ۳/۳۶۹-۳۶۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ق، ۱/۶۰۴). همچنین در روایتی دیگر، نام امام سجاد علیه السلام به عنوان یکی از پنج نفری که بسیار گریستند، آمده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱/۲۷۲)، اما گزارش مزبور نیز نمی‌تواند قابل اعتماد باشد زیرا راوی آن محمد بن سهل بحرانی می‌باشد که توسط علمای رجال، توثیق نشده است.



گریه امام باقر (علیه السلام)،^۱ گریه امام صادق (علیه السلام)،^۲ گریه امام کاظم (علیه السلام) و گریه امام رضا (علیه السلام)^۳ اشاره کرد. آن‌چه از روایات مزبور برمی‌آید آن است که ائمه هدی (علیهم السلام) از طریق یادآوری واقعه عاشورا قصد داشتند هدف والای سیدالشهداء (علیه السلام) از قیام را زنده نگه دارند اما به نظر می‌رسد برخی روایات، تحریف یا سوء برداشت شده تا صرفاً مقوله گریستن مورد توجه واقع گردد. به عنوان مثال می‌توان به روایتی اشاره کرد که به جایگاه روز عاشورا و کراهِت تلاش برای امور دنیوی در آن روز تأکید کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ۲۲۷). به نظر می‌رسد از طریق روایت مزبور این نکته بیان شده که هدف امام حسین (علیه السلام) از قیام، کسب قدرت دنیوی و اتهامات مشابهی که از سوی سردمداران حکومت به ایشان وارد گردیده، نبوده بلکه هدف، احقاق حق و مبارزه

۱. طبق روایتی، وقتی کُمَیْت بن زید اسدی، در مدینه به خدمت امام باقر (علیه السلام) رسید و قصیده‌ای در رثای ابا عبد الله (علیه السلام) قرائت نمود، امام باقر (علیه السلام) گریست و فرمود: «ای کُمَیْت، اگر نزد ما مالی بود، به تو می‌دادیم؛ ولی در حقّ تو همان است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به حَسَّان بن ثابت فرمود که: همواره به روح القدس تأیید شده‌ای، تا زمانی که از ما اهل بیت دفاع می‌کنی» (کشی، ۱۴۰۹ ق، ۱/ ۲۰۷). این روایت نیز از نظر سند محلی نقد و بررسی است، زیرا در میان راویان آن، نام جعفر بن محمد بن حکیم می‌باشد که برخی او را مذموم شمرده‌اند (حلی، ۱۳۹۲ ق، ۲۳۵).

۲. «به نقل از هارون بن خارجه: در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم که از حسین (علیه السلام) یاد کردیم. ایشان گریست و ما هم گریه کردیم. امام (علیه السلام) سرش را بلند کرد و فرمود: حسین (علیه السلام) فرمود: من کشته اشکم و هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر این که می‌گرید» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ق، ۱۰۸). روایت مزبور به تواتر آمده است و ابن قولویه در کامل الزیارات، بابی را تحت عنوان «أَنَّ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) قَتَلَ الْعَبْرَةَ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى» آورده است.

۳. ابراهیم بن ابی محمود به نقل از امام رضا (علیه السلام)، اندوه و گریه امام کاظم (علیه السلام) در رثای سیدالشهداء (علیه السلام) را گزارش کرده است: «وقتی ماه محرم می‌رسید، پدرم خندان دیده نمی‌شد و پریشان حالی بر او سایه می‌انداخت، تا این که ده روز از آن می‌گذشت. وقتی روز دهم فرا می‌رسید، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش بود و می‌فرمود: امروز، همان روزی است که حسین (علیه السلام) کشته شده است» (ابن بابویه القمی، ۱۴۱۷ ق، ۱۹۱).



با حکومت باطل بوده است. اما نویسندگان مقاتل با رویکرد عاطفی، صرفاً مقوله گریه را از این روایت اراده نموده‌اند.

در واقع نویسنده «تذکره الشهداء» با این روایت، ضمن پایین آوردن جایگاه و فلسفه قیام عاشورا به امور صرفاً عاطفی از طریق نقل روایاتی با صبغه احساسی در ثواب بی حد و حساب گریستن بر امام حسین (علیه السلام) (ابن قولویه القمی، ۱۳۷۵/۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۴۴/۲۸۸) زمینه‌ساز تجرّی عاصیان در ارتکاب گناه می‌گردد (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۶-۱۲۵).

او با رویکردی احساسی و از سبیل ذکر ابیاتی از مثنوی معنوی، درصدد اثبات این نکته برآمده که بکاء بر مصائب اباعبدالله (علیه السلام) افضل اعمال است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۹-۱۲۶). نکته قابل توجه دیگری که در ابیات مولوی وجود دارد و در تحلیل عاطفی کاشانی مغفول واقع شده این است که مولوی (۶۵۲-۵۸۶ ش) در این ابیات، به سوگواری شیعه و انگیزه و نیت شیعیان از عزاداری برای اباعبدالله (علیه السلام) انتقاد کرده است. بر این اساس مولوی از رویکرد صرفاً عاطفی به حماسه عظیم کربلا همان نگاه یک‌جانبه‌ای که کاشانی و برخی منابع عاشورایی متأخر به آن دچارند انتقاد نموده و خواهان رویکردی همه‌جانبه به قیام امام حسین (علیه السلام) و نیز عزاداری اندیشناکانه و توأم با تأمل شیعیان در رثای ایشان می‌باشد. در این صورت از سبیل واقعه عظیم عاشورا رشد و شکوفایی معنویت شیعی حاصل خواهد شد. در هر حال، تمسک به اشعار برای تحلیل مطالب تاریخی - که یکی از راهکارهای مورخان قاجاری است - نمی‌تواند شیوه معتبر و معقولی در مقتل نگاری باشد.

۶. روایات مبتنی بر آموزش گناهان گریه‌کننده و گریاننده بر

مصیبت سیدالشهداء

نویسنده «تذکره الشهداء» در توجیه تأثیر اشک در آموزش تمام گناهان به نقل روایتی غیرمستند مبنی بر گریز آتش دوزخ به وسعت شصت هزار فرسخ از اشک‌هایی که گریه‌کنندگان بر حسین (علیه السلام) ریخته‌اند و تأثیر آن بر فزونی زیبایی حوریان و نیکوتر شدن آب‌های بهشت مبادرت نموده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۳۱-۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۴/ ۳۰۵). روایت مزبور، در منابع اولیه نیامده و فقط علامه مجلسی آن را بدون ارائه سند نقل کرده است. غالب مقاتل متأخر و تحریف‌گستر نیز به نقل این روایت مبادرت نموده‌اند. رهاورد رویکرد عاطفی کاشانی آن است که کسی که هیچ حسنه‌ای در کارنامه اعمالش ندارد در روز قیامت به سبب تباکی در رثای حسین (علیه السلام)، خود و پدر و مادرش مورد آموزش قرار گرفته و در جوار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سکنی می‌گیرند.

تمه توجیهات کاشانی در تبیین براین بکاء، به حدیثی از امام رضا (علیه السلام) منتهی می‌گردد که بر اساس روایت مذکور گریه‌کننده و گریاننده در روز محشر هم‌رتبه ائمه هدی (علیهم السلام) خواهند بود (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۳۴؛ ابن بابویه القمی، ۱۴۱۷، ق، ۱/ ۱۳۱). نیازمند یادآوری است که در سند روایت مزبور، نام علی بن الحسن بن علی بن فضال وجود دارد. بنی‌فضال، فطحی مذهب بوده‌اند اما طبق برخی اقوال سپس به امامت امام رضا (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) معتقد و از اصحاب خاص آنان شده‌اند (طوسی، بی‌تا، ۴۷). همچنین علی‌رغم آن که برخی رجالیون نظیر طوسی و کشی ایشان را براساس روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام) که می‌فرماید: «خُذُوا مَا رَوَّوْا وَ دَرَّوْا مَا رَوَّوْا» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ق، ۳۹۰) ثقة برشمرده‌اند اما آیه‌الله خوئی این روایت را دلیل ثقة بودن ایشان ندانسته است (خوئی، ۱۴۰۹، ق، ۱۶/ ۲۴۵ و ۱۲/ ۳۶۱). همچنین به



روایتی منقول در «بحار الانوار» به سبک داستان‌محور و با عناصر تخیلی و غیرتاریخی اشاره کرده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۴/ ۲۹۳). مجلسی سندی برای این روایت مبتنی بر رؤیا ذکر نکرده و تنها به عبارت «و رأیت فی بعض مؤلفات أصحابنا» بسنده نموده است. کاشانی این مجلس را با ذکر ابیاتی از شافعی (۲۰۴-۱۵۰ ق) در رثای امام حسین علیه السلام، خاتمه بخشیده است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ۱/ ۱۳۴-۱۳۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ق، ۴/ ۱۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۵/ ۲۵۳).

نتیجه‌گیری

مقتل «تذکره الشهداء» نگاشته ملا حبیب‌الله کاشانی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین آثار عاشورایی از زمان نگارش تاکنون نقش آفرینی کرده است؛ زیرا از یک‌سو به سبب اشاعه اخبار نادرست و ضعیف تاریخی، مورد انتقاد جدی عاشوراپژوهان قرار دارد و از سوی دیگر به سبب برخورداری از نثر گیرا و مسجع، اشتها و اعتبار نویسنده، منبع مورد استفاده مداحان و واعظان بوده و در تاریخ عزاداری سیدالشهداء علیه السلام تأثیرگذار بوده است. بر این اساس رشد و گسترش آیین سوگواری در دوره صفویه و قاجاریه زمینه‌ساز نگارش مقتل‌هایی با تکیه بر احساسات و عواطف و صرفاً برای گریاندن مردم گردید که همین امر سبب رهیافت اخبار و گزارش‌های غیرتاریخی در این قبیل کتاب‌ها شده است. شایان ذکر است به سبب فضای تباهی حاکم بر این اثر و کاربرد آن در مجالس سوگواری، بسیاری از اقوال و گزارشات آن به منابع متأخر و بدون تحقیق و تأمل استحصال شده است. گرچه نویسنده اثر از منابع متقدم نیز بهره گرفته اما رویکرد عاطفی و داستانی وی مانع تحلیل صحیح نهضت حسینی، اعمال مسامحات در این اثر و بی‌اعتباری بسیاری از روایات آن شده است. با این وجود مقتل‌نگاری حسین بن علی علیه السلام بدون توجه و واکاوی

«تذكرة الشهداء» کاشانی قطعاً ابتر و ناقص است که اهمیت این اثر را بیش از پیش در
زمان حاضر و با توجه به طرح شبهات گوناگون نمایان می‌سازد.



منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد، **الفتوح**، ج ۵، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۲. ابن الغضائری، احمد بن حسین، **الرجال**، محقق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن المشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الكبير**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۸ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرايع و الاحکام**، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ش.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **مناقب آل أبي طالب**، محقق و مصحح محمد حسین آشتیانی و هاشم رسولی، ج ۴، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، **الملهوف علی قتلی الطفوف**، المحقق الشيخ فارس تبریزیان «الحسّون»، تهران، دار الأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۷ق.
۸. ابن عدی، أبو أحمد، **الكامل فی ضعفاء الرجال**، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، شارک فی تحقیقه عبد الفتاح أبو سنه، بیروت، الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن غضائری، احمد بن حسین، **الرجال**، تحقیق سید محمدرضا الحسینی الجلالی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۱۰. ابن قولویه القمی، جعفر بن محمد، **کامل الزیارات**، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۵ش.
۱۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، **کامل الزیارات**، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق.

۱۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، **المزار الكبير**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۳. ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، محقق محمد هادی یوسفی غروی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۷ش.
۱۴. حلی، حسن بن داوود، **کتاب الرجال**، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد، **مقتل الحسین علیّه السلام**، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
۱۶. خوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث**، ج ۱۶-۱۲، قم، مؤسسة الخوئی الإسلامية، ۱۴۰۹ق.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، **اخبار الطوال**، تحقیق عبد المنعم عامر و مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ش.
۱۸. ذهبی، محمد بن أحمد، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق علی محمد بجای، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ش.
۱۹. رفعت، محسن، «نقد و بررسی روایت انگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در تذکرة الشهداء میرزا حبیب شریف کاشانی»، **حدیث حوزه**، ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش، صص ۶۱-۹۳.
۲۰. زهرانی، احسان، **اندیشه‌های حسینی و شصت مجلس مصیبت از تذکرة الشهداء شریف کاشانی**، قم، الطیار، ۱۳۸۰ش.
۲۱. شریف کاشانی، ملا حبیب الله، **تذکرة الشهداء**، تحقیق و تعلیق و تهذیب مؤسسه فرهنگی شمس الضحی با همکاری عباس محمد قلیان، ج ۱-۲، تهران، شمس الضحی، ۱۳۸۴ش.



۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **إختيار معرفه الرجال**، محقق و مصحح محمد بن الحسن طوسی، حسن مصطفوی، ج ۱، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، **امالی**، محقق و مصحح مؤسسة البعثة، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، **التبيان في تفسير القرآن**، بيروت، دار الاحياء التراث العربي، بی تا.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۸، تهران، دار الكتب العلمية، ۱۳۶۵ش.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، محقق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ش.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، محقق و مصحح عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، **مصباح المنهجد**، لبنان، مؤسسة فقه الشیعه بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۹. کاشانی، حبیب الله، **تذکره الشهداء**، تهران، مؤسسه فرهنگي شمس الضحی، ۱۳۹۰ش.
۳۰. الکفعمی العاملي، ابراهيم بن علی، **المصباح جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية**، قم، دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، ج ۴۵-۴۴، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار (حماسه حسینی)**، تهران، صدرا، بی تا.
۳۳. مفید، محمد بن نعمان، **الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد**، ج ۲، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۴. النجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشی**، محقق سید موسی شیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۴ش.